

عدم تحریف قرآن (۱)

(قسمت دوم)

جمهوری / ۲۶ شهریور ۸۶

اثری از آیت الله العظمی فاضل لنکرانی

مترجم : استاد مرتضی واعظی اراکی

ششم : تحریف به نقصان به این معنی که قسمتی از قرآنی که در دست ماست در بر دارنده تمام قرآنی که از طرف خداوند نازل شده نیست زیرا قسمتی از آن گم شده است تحریف بدین معنی همان چیزی است که در آن اختلاف است و عده ای آن را پذیرفته و گروهی دیگر آن را رد کرده اند ۴ .»

تا اینجا کلام آیه الله خوئی دامت افاداته بود .

لکن ان شا الله به زودی در موضوع کیفیت جمع آوری قرآن و اینکه در چه زمانی واقع شد خواهیم گفت که :
جمع آوری آن در زمان پیامبر اکرم (ص) بود و اختلاف مصحف عثمان با سائر قرآن ها فقط در کیفیت قرائت بود
نه اختلاف در کلمات

و شگفت آنکه ایشان خود به این مطلب تصریح فرموده اند آنجا که می گویند : « تردیدی نیست که عثمان قرآن را در زمان خویش جمع آوری کرده البتة این بدان معنی نیست که آیات و سوره ها را در یک مصحف جمع کرده بلکه بدین معنی است که مسلمانان را بر قرائت واحدی وا داشت و قرآن های دیگر را که با این قرآن مخالف بودند سوزاند و به تمام شهرها نوشت که آنچه نزد آنهاست بسوزانند و از اختلاف در قرائت بپرهیزند .»

بنابراین اختلاف تنها در قرائت است نه در کلمات همچنانکه بزودی انشاالله این امر روشن خواهد شد .

مطلب دوم : در مورد اعتقاد مسلمانان در باب تحریف : معروف بین مسلمانان عدم وقوع تحریف در قرآن است و نیز اعتقاد دارند که همچنانکه به اجماع مسلمین تحریف به زیاده واقع نشده است همچنین تحریف به نقص و کاستی نیز واقع نشده و آنچه امروز به عنوان قرآن در دست ماست تمام آن چیزی است که بر پیامبر گرامی اسلام نازل شده است و بزرگان علما شیعه امامیه از متقدمین و متاخرین به این مطلب تصریح کرده اند که بعض کلمات آنها را در اینجا می آوریم .

شیخ المحدثین مرحوم صدوق در کتاب اعتقاد چنین فرموده است :

«اعتقاد ما بر آن است که قرآنی که بر پیامبر اکرم (ص) نازل شده است همان چیزی است که ما به عنوان قرآن در دست داریم و چیزی زائد بر آن نیست و هر کس به ما این نسبت را بدهد که ما می گوئیم قرآن بیش از این بوده است پس او دروغگوست » ۵ .

مرحوم مفید در « مقالات » می گوید : « عده ای از امامیه گفته اند که : نه یک کلمه و نه یک آیه و نه سوره ای از قرآن کم نشده است لکن آنچه از تاویل و تفسیر معانی قرآن چنانچه نازل شده بوده است و در مصحف امیرالمومنین (ع) ثبت شده بوده است حذف شده و این معانی نازل شده بوده است اگر چه جز کلام الله منزل که همان قرآن معجز است نبوده است و گاه می شود که تاویل قرآن قرآن نامیده می شود. خداوند متعال می فرماید : « ولا تعجل بالقرآن من قبل ان یقضی الیک وحیه و قل رب زدنی علما » ۶ یعنی : « عجله و شتاب مکن به خواندن قرآن پیش از آنکه کار وحی آن به تو صورت پذیرد و بگو : پروردگارا علم مرا زیاد گردان » که در این آیه مبارکه تاویل قرآن قرآن نامیده شده است و این مطلبی است که در آن اختلافی بین مفسران نیست و من معتقدم که این حرف از کلام کسانی که مدعی نقصان در خود قرآن هستند نه تاویل آن درست تر است و من به این قول مانم و از خداوند توفیق راهنمایی به آنچه صحیح است خواستارم » ۷ .

و سید مرتضی (ره) در جواب مسائل « طرابلسیات » چنین می گوید :

«علم به صحت نقل قرآن همانند علم به شهرها حوادث بزرگ وقائع و کتابهای مشهور و اشعار ضبط شده عرب است زیرا عنایت به صحت نقل و داعی بر حفظ آن فراوان بوده است به حدی که در مورد چیزهایی که ذکر کردیم این چنین انگیزه ای نبوده است زیرا قرآن اعجاز نبوت و منبع علوم شرعی و احکام دینی است و دانشمندان اسلام در حفظ و حمایت قرآن تا جایی کوشیده اند که حتی تمام اختلافات اعراب و قرائت و حروف و آیات را می شناسند پس چگونه ممکن است که با این عنایت و توجه راستین و ضبط محکم و متقن نقص و تغییری در آن صورت گرفته باشد و این مطلب نیز مسلم است که علم به جزئیات آن برای آنها در صحت نقل همانند علم به کل آن است که نزول آن از طرف پروردگار قابل انکار نیست و علم به قرآن همانند علم به کتابهایی است که انتساب آنها

به نویسنده آن مسلم است. همانند کتاب سیبویه و مزنی و واضح است که کسانی که عنایت و اهتمام به اینگونه کتب دارند همانطور که شناخت راجع به اصل کتاب دارند نسبت به جزئیات آنها اطلاع دقیق دارند حتی اگر کسی یک باب از نحو را که از سیبویه نیست داخل کتاب او کنند نزد آنان روشن و واضح است و می فهمند که از اصل کتاب نیست بلکه به آن اضافه کرده اند و همینطور کتاب مزنی و پرواضح است که اهتمام به نقل قرآن و ضبط صحیح آن بیش از اهتمام به ضبط کتاب سیبویه و یا دیوان شعر داود بوده است. »

و نیز فرموده است: « قرآن در زمان رسول اکرم (ص) جمع شده بود و همانند یک کتاب مجلد همانطور که امروز می بینیم موجود بوده است » و برای این مطلب استدلال کرده است که « قرآن در آن زمان تدریس می شده و تمام آن در زمان پیامبر (ص) حفظ می شده است حتی عده ای از صحابه برای حفظ قرآن تعیین شده بودند و قرآن بر پیامبر (ص) عرضه و تلاوت می شده و عده ای از صحابه همانند عبدالله بن مسعود و ابی ابن کعب و غیر این دو قرآن را چند بار نزد پیامبر از اول تا به آخر خوانده و ختم کرده بودند و همه آنچه گفته شد دلالت بر آن دارد که قرآن در مجموعه جمع شده بوده است نه آنکه متفرق و پراکنده در اوراق باشد. »

سپس فرموده است: « آنان که از امامیه یا حشویه مخالف این مقال را گفته اند اعتنائی به قول آنان نیست زیرا منشا این اختلاف عده ای از محدثان هستند که اخبار ضعیفی را که خیال کرده اند صحیح است مستند قول خود گرفته اند و معلوم است که از مطلب معلوم و مقطوع به واسطه این اخبار نمی توان عدول کرد. » ۸

و مرحوم شیخ طوسی قدس سره القدوس در اول تفسیر تبیان چنین فرموده است:

«اما کلام در زیاده و نقیصه در قرآن از چیزهایی است که جایی در بحث تفسیر قرآن ندارد زیرا بطلان قول به زیاده در قرآن اجماعی است و در مورد نقص نیز ظاهر از مذهب مسلمانان خلاف آن است و این قول لائق به مذهب صحیح ما نیست و این مطلب را سید مرتضی نیز تایید کرده است و ظاهر از روایات نیز همین است الا اینکه روایات زیادی از طریق عامه و خاصه وارد شده است که مضمون این روایات نقصان در کتاب یا جا به جایی آیات آن است لکن این روایات جز اخبار آحاد است و خبر واحد نه علم آور است و نه عمل به آن جائز و بهتر است که از این اخبار کلا اعراض شود » ۹.

و مرحوم محقق طبرسی در مقدمه تفسیر مجمع البیان که به منزله خلاصه تفسیر تبیان است از مرحوم شیخ طوسی در این مطلب پیروی کرده است .

و مرحوم شیخ جعفر نجفی کاشف الغطا در کتاب کشف الغطا چنین فرموده است :

«شکی در این مطلب نیست که قرآن از نقیصه با حفظ خداوند بزرگ در امان مانده است همچنانکه صریح خود قرآن و اجماع علما ازمنه بر آن دلالت دارد و قول چند نفر ضرری به این مطلب ندارد و آنچه در اخبار وارد شده است که دلالت بر نقص قرآن دارد ضرورت و بدهات مطلب مانع از عمل و اخذ به ظاهر آنهاست « تا آنکه در مورد اینگونه اخبار فرموده است : « پس به ناچار باید به یکی از راهها این اخبار را تاویل کرد » ۱۰ .

و از قاضی نور الله شوشتری در « مصائب النواصب » نقل شده است که چنین گفته است :

«آنچه به شیعه امامیه از وقوع تغییر در قرآن نسبت داده شده است قول تمام علما امامیه نیست بلکه عده ای

بسیار کم این مقال را دارند که اعتنائی به قول آنان نیست . » ۱۱

و از مرحوم شیخ بهائی نقل شده که فرموده است :

و نیز اختلاف واقع شده است در زیاده و نقصان در قرآن و قول صحیح آن است که قرآن عظیم محفوظ از تغییر و تحریف است چه در جهت زیاده و چه نقصان و بر این معنی قول خداوند دلالت می کند که فرموده است : « و انا له لحافظون » و آنچه بین مردم مشهور شده است که اسم امیرالمومنین (ع) در بعض مواضع از قرآن اسقاط شده است مثل « یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک » فی علی و غیر آن پس نزد علما ما اعتباری ندارد . » ۱۲

پاورقی :

۴.البیان ۱۹۷-۲۰۰

۵.اعتقادات صدوق چاپ شده ضمن سلسله مولفات شیخ مفید ۵۸۴ باب الاعتقاد فی مبلغ القرآن ۳۳.

۶.سوره طه آیه ۱۱۴.

۷.اوانل المقالات چاپ شده ضمن سلسله مولفات شیخ مفید ۸۲. ۴

۸.درک مقدمه مجمع البیان الفن الخامس .

۹.تفسیر تبیان ۱۳.

۱۰.کشف الغطا ۴۵۴ ۳ ۴۵۳

۱۱.مصائب النواصب : ۱۲۱.

۱۲.در تفسیر آلا الرحمن نقل شده است . ۱۶۵.